

خشک سفالگری که ارزش و حرکت و قدرت و حیاتی نداشته؛ این القاء امید است. امید به پروردگار و بخود. خداوند چنین قدرتی داشته که از گل خشک (پخته یا نپخته) توانسته این وضع و حالت زنده را با تمام صفات و مزایا بوجود بیاورد. و خلق الجنّ من مارح من نار. و جن را هم از دود آتش یا خود آتش آفرید (آتش یکی از شکلها و فرمهای انرژی هاست، انرژی نیروی بفعالیت درآمده است و منبع حیات و حرکت در دنیا، مثل نور و حرارت و حرکت و موج و غیره...) انسان از پست‌ترین مواد عالم (که در آیات دیگر هم هست) بوجود آمده، از لجن بدبو، از گل متعفن، یعنی پست‌ترین مرحله ماده که بتوان تصور کرد، همچنین خشک و بی روح و بی حرکت. خداوند از چنین زمینه‌ای انسان را با خصوصیات ممتازش با رحمت خود آفرید. در برابر انسانها طبقه جن وجود دارند که برای ما شناخته شده نیستند اما برای خودشان حیات و حرکت دارند. حتی پیغمبر هم ادعا نکرده بر کار آنها مطلع است. آنها خارج از انسان و ماوراء او هستند. جن‌ها از زبانه آتش (آتش پست‌ترین فرم انرژی است) خلق شده‌اند، و پست‌ترین حالت انرژی حرارتی موقعی است که درجه حرارتش پائین بیاید و تبدیل به دود گردد. از اینکه خداوند جن را نیز با این خصوصیات آفریده آیا باز هم شما نعمت، قدرت و رحمت او را تکذیب می‌کنید؟

رب المشرقین ورب المغربین— پروردگار تربیت کننده، حکومت کننده و مسلط هم ارباب مشرق‌هاست و هم مغرب‌ها، حالا شاید منظور از مشرقین و مغربین (دو مشرق و دو مغرب) نسبت به انسان و جن باشند. مرجع البحرین یلتقیان، بینهما برزخ لایبغیان، یخرج منهما اللؤلؤ والمرجان.

وقتی از دریا صحبت میکند باز لؤلؤ و مرجان را بعنوان نعمت خودش بیان می‌کند عده‌ای مخالف بر خورداری از نعمات خدا هستند، درحالی‌که اگر از راه حلال و روی میزان و حساب باشد هدیه خدا برای بندگان محسوب میشود. مثل زینت خانم‌ها که حتی مستحب هم هست (البته برای شوهران نه برای مردم خیابان!) وله الجوار المنشآت فی البحر کالاعلام. حتی کشتی، کشتی که شما میسازید و در دریا حرکت میدهید آنهم نیز از نعمت‌های خداست، نعمتی که از طریق فکر و ادراک شما به تحقق و فعلیت درآمده.

کل من علیها فان... همه اینها خوب، همه اینها موجود، همه اینها نعمت؛ ولی به هیچکدام نباید وابسته شوید و دلبستگی پیدا کنید. ما اینها را زینت روی زمین قرار داده‌ایم و همه اینها را یکسره نابود و صاف می‌کنیم ولی محصولی که شما باید با خود ببرید آن حرکت، سمت، وجه و جهتی الهی است که باقی میماند، و بقی وجه ربک ذوالجلال والاكرام. جنبه‌های غیرخدائی محو و فانی میشود اما این میماند. یادی و دعای رحمتی هم برای دگر شریعتی بکنیم که همه مظاهر و مشاعر حج را حرکت توصیف میکرد. هم کلمه حج، هم طواف و سعی و عرفات و جمرات و غیره را. اقبال لاهوری شاعر مسلمان و فارسی

زبان پاکستانی هم شعری دارد که خطاب و ملامتی است به موج دریا که چرا دائماً درآمد  
و شد هستی، آرام و راحت بنشین. موج جواب میدهد:

مازنده از آنیم که آرام نگیریم      موجیم که آسودگی ما عدم ماست  
و چه زیبا این را نشان میدهد که امروز که آسوده بنشینیم و حرکت نکنیم یعنی در  
جستجوی فضل خدا و تکاپو و تلاش نباشیم روز مرگ ماست. خلقت و خواسته خدا نه سکون  
و جنگ و دشمنی و مبارزه بلکه خلاقیت و تولید است و این از مظاهر اصلی صفات خدا است.  
در ماههای اول زندان بنده کتابی نوشته بودم بنام «اسلام مکتب مبارز و مولد» (شاید  
بعضی از شما آنرا خوانده باشید) اسمی که برای این کتاب انتخاب کرده بودم بخاطر  
روحیه‌ای بود که ۲۰، ۳۰ سال قبل حاکم بود و بخصوص جوانان بهمه چیز از جنبه مبارزه و  
دشمنی و از بین بردن نگاه میکردند در حالیکه اسلام در عین حالیکه مکتب مبارز است،  
مولد هم هست و بیشتر هم مولد است. همانطور که یک گیاه سمومات را دفع میکند ولی بیشتر  
برای آنکه ثمری بدهد آب و اکسیژن و مواد آلی جذب می کند. این نکته را هم یادآوری کنم  
که در اروپا و امریکا هنگامیکه انجمن اسلامی دانشجویان تأسیس شده باشد همکار ما  
آقای دکتر یزدی که فعلاً وزیر امور خارجه هستند در آنموقع از مؤسسين و فعالين انجمن بودند  
و نشریه‌ای منتشر می‌ساختند که اسم آنرا «مکتب مبارز» گذاشته بودند بنده در آنموقع ایراد  
می گرفتم که چرا کلمه مولد اضافه نشده و به جنبه مثبت و تولید که از آلاء و نعمات خداوند  
است توجه نشده است در حالیکه با توجه به رحمانیت خدا باید به سازندگی و تولید هم توجه  
داشت.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

قسمتی از:

## سخنانی در مجلس یادبود مرحوم طالقانی

در جمع کارکنان نخست وزیری در تاریخ

۵۸/۷/۲۶

«طالقانی تعلق به همه ملت ایران و همه مردم آزاده داشت اما در عین حال طالقانی خودش را متعلق به هیچ کس نمیدانست. اولاً خیلی کم در کلام و بیان طالقانی کلمه من می آمد، یعنی صحبت از خودش خیلی کم میکرد، مگر اینکه ضرورتی باشد. از صنف خودش که صنف روحانیت باشد، شاید هیچ وقت تعریف و توصیف نکرد. و اگر میکرد توام با انتقاد بود و هم چنین از خانواده اش. معمولاً تعلق داشتن به خود یا به خانواده یا به محل منافات دارد با محبوبیت. این طبیعی است انسان موجودی را دوست دارد که متعلق به کسی دیگر نباشد و یا کسانی که دائماً از خودشان حرف میزنند و یا تعریف از خود و دفاع و تبلیغ از خودشان میکنند اینها هیچ متوجه نیستند که بزرگترین ضربه را به خودشان میزنند.»

طالقانی از آنهایی است که بعد از مرگش برای آدم ظاهر میشود. طالقانی با طبقه درس خوانده، با طبقه متجدد (نه متجدد بعنوان فکل و کراوات، متجدد بعنوان افکار نو، زندگی نو و خواسته های نو) با اینها تحول پیدا کرد. برای همین بود که تعلق به هیچ جا نداشت. تحول یعنی تکامل، و عجیب این است که مردم معمولاً تحولشان تا سن معینی است ولی طالقانی را که بعد از زندان اخیر مجدداً دیدیم، در مدت زندان هم تحول و تکامل یافته و افکارش غیر از آن بود که قبلاً داشت. مرحوم طالقانی چه در زندان و چه قبل از زندان خیلی از مسئولیت کناره میگرفت. در شوراها و کمیته های نهضت آزادی هم میآمد. اما مثل اینکه فردی بود مهمان، زیاد جنب و جوش و دلشوره مطالب را نداشت. طالقانی در دوران زندان و بعد از زندان و در این انقلاب و بعد از پیروزی بکلی با آن طالقانی فرق داشت. صریحاً پا گذاشت در میدان، در میدان مسئولیت و اداره این انقلاب. و شد یکی از مدیران و رهبران واقعی. نه تنها فکری، بلکه از رهبران گرداننده و مدیر و مسئول انقلاب و مخصوصاً بعد از

انقلاب. این هم نشانه آن است که ایشان خود را متعلق به هیچ کس نمیدانست و بنابراین دائماً با آنچه که وظیفه و حق است خود را تطبیق میداد. یعنی تعلق به حق داشت و اجر و پاداش هم نسبی خواست. کسان زیادی بودند که تا آشنائی با افکار و مکاتب پیدا میکردند یک مرتبه خود را متعلق به آن مکتب‌ها میدانستند و یا دست از اسلام و ملیت برمیداشتند و وقتی تحول پیدا میکردند تعلق هم پیدا میکردند ولی ما دیدیم مرحوم طالقانی در مدت چهل یا پنجاه سال که با این مکاتب سروکار داشت بهیچوجه تعصب پیدا نکرد و نظرش تعصب‌آمیز خود باختگی نبود و بهیچوجه خود باخته غرب یا افکار چپی و مارکسیستی بصورت‌های مختلف که آفات توحید است نشد، چون تعلق پذیر بود.

اجری که هرکس برای خود می‌خواهد (از هر طبقه) انواع مختلف دارد که آخرین پاداش و اجری که خیلی‌ها برای خودشان طلب میکنند اینست که میگویند باید حق انقلاب و قدرت در دست ما باشد و از دست دیگران خارج بشود، یعنی انحصارطلبی و یک نوع دیکتاتوری. مرحوم طالقانی درست عکس این بود، در عینی که در آخرین سال زندگیش جدا مدیرانه و مدبرانه وارد عمل شده بود ولی به هیچوجه انتظار پاداش این را که حق اداره، حق مدیریت و حق تصرف با من است، نداشت و این آن نکاتی است که هرچه زمان بگذرد بیشتر روشنتر میشود.

قسمتی از:

## سخنانی در جشن فارغ التحصیلی دانشکده

### افسری نیروی زمینی

۵۸/۷/۲۹

امیرکبیر با توجه به دو هدف اقدام به استخدام مستشاران خارجی جهت تربیت ارتش کرد، یکی تربیت و توسعه و کارآئی و قدرت دفاعی و نظامی ایران و دیگری حفظ و حراست مملکت و دفاع از ملت که در واقع میتوان آنرا دفاع از اسلام و حقیقت نامید ولی ما در حال حاضر با مشکل دیگری روبرو هستیم و آن مزدوران و خائنینی هستند که در لباس ایدئولوژی و عقیدتی درآمده و با هر نوع اقدامی که دولت و ملت در جهت خیر و صلاح این مملکت و مردم انجام میدهند مخالفت میکنند.

تا آنجا که من بیاد دارم چپ‌های تندرو از زمان رضاشاه تا کنون با هر اقدام ملی زیرلوی شعارهای فریبنده حمایت از خلق مستضعف، کارگر و رنجبر و غیره مخالفت کرده و از هر فرصتی بسود خود برداشت می‌کنند. ولی گروهی از همین چپ‌نماها در رژیم گذشته با سازش خود بعنوان مهم‌ترین مهره‌های دستگاه در خدمت محمدرضا شاه بودند. ولی گروه دیگری همچنان به مبارزات خود ادامه دادند. این گروه تنها در دوران انقلاب همراه ملت بودند و کشته زیادی هم دادند آنها در راه پیمائی‌ها نیز شرکت کردند ولی طبق برنامه‌های پیش‌بینی شده و حساب شده‌ای پیش رفتند و به پادگانها حمله کرده سلاحها و مهمات زیادی بدست آوردند تا از این مهمات و اسلحه برای کشتار خلق مسلمان ایران استفاده کنند.

دولت هر قدمی که در جهت رفاه مردم خواست بردارد با تحریک و وسوسه این شیطان صفتان در کارخانجات، مراکز اقتصادی، دانشگاهها و مدارس روبرو شده و می‌شود و این مردم هستند که باید هوشیار و بیدار باشند و فریب شعارهای ظاهری این گروه مزدور را نخورند.

نخست وزیر ضمن آرزوی موفقیت برای فارغ التحصیلان این دوره که نخستین دوره در حیات جمهوری اسلامی ایران هستند گفت: ارتش ما و سیاست ما هیچگاه هدف کشورگشائی نداشته و ندارد و اگر به عقب برگردیم بجز در چند سال اخیر حکومت شاه که ارتش ایران را ژاندارم منطقه خلیج فارس و اقیانوس هند کرده بود در سایر دوران وظیفه دولت و ارتش ایران حفظ و حراست کشور در برابر تجاوز بیگانه بوده است و در حال حاضر علاوه بر حفظ مرزهای کشور اگر نیروهای انتظامی در داخل کشور برای مقابله با ایادی بیگانگان کمک بخواهد ارتش به کمک آنها خواهد شتافت.

قسمتی از:

## سخنرانی در استادیوم ورزشی اصفهان

۵۸/۸/۳

نخست وزیر در استادیوم ورزشی این شهر که مملو از جمعیت بود طی سخنانی از مردم تمام نقاط ایران دعوت کرد بدون اسلحه و با خواربار و کمک های دیگر به میان برادران کناره مملکت اعم از خوزستانی، کردستانی، بلوچستانی بروند و پیام دوستی و صمیمیت و یگانگی و وحدت خویش را با آنان در میان نهند و به آنها بفهمانند که تبلیغات بیگانگان و چند حزب چپی انحرافی چقدر دور از حقیقت و واقعیت است.

کردستان در نظر مردم جهان و داخل مملکت با خواندن صفحات روزنامه ها بیشتر به صورت یک استان و یک منطقه جنگ و ستیز و دعوا درآمده درحالیکه چنین چیزی نیست و آنچه این منطقه نیاز دارد و ما حس کرده ایم این است که هنوز برادران کرد ما لمس نکرده اند و باور ندارند که امام و دولت و رهبران دیگر همواره دم از برادری و وحدت و عدم کدورت میزنند.

پیروزی محال است تحقق پیدا کند مگر آنکه دو مطلب را مورد توجه قرار بدهیم که یکی از آنها جهاد است و مجاهدت در راه حق و رسیدن به مقصود و در این راه باید جهاد تا سرحد شهادت وجود داشته باشد که بحمداله در این راه ملت ایران ثابت کرد که از ده سال قبل به این طرف چنین شجاعتی داشته و چنین امتیازی در نژاد ایرانی خصوصا نسل جوان ما وجود دارد. مطلب دوم که پیروزی را حتمی خواهد کرد صبر و پایداری است، همین تحمل مشکلاتی که پس از هرانقلابی وجود دارد و اگر ملتی از میدان صبر روسفید بیرون نیاید به پیروزی نخواهد رسید.

کسانی که میگویند ما خون دادیم و باین مقصود باید برسیم، قرآن میگوید چنین چیزی نیست باید صبر و پایداری کنیم.

مسافرت‌هایی که به نقاط مختلف کشور می‌کنیم برای دولت و برای رهبری انقلاب پرتیمر است زیرا به رای العین می‌بینیم که در بین مردم همبستگی و عشق و علاقه وجود دارد و این درحقیقت بما قدرت و قوت میدهد و درحقیقت رفراندومی است که اگر با خستگی و ملالت پیش شما مردم شهرستانها می‌آئیم ولی با روح شاد و دست و دل پر برمیگردیم و انشاءاله سعی میکنیم که بیشتر کار کنیم.

مردم مناطق مختلف ایران هرکدام به تناسب خود در این انقلاب سهیم بوده‌اند بطوریکه شاید نتوان گفت آذربایجان نمره اول را دارد یا یزد یا قم یا خراسان یا کردستان یا خوزستان و یا فارس و مناطق مرکزی و از جمله اصفهان زیرا از خصوصیات و سرمایه‌ها و عظمت این انقلاب همین یک پارچگی مشارکت و وحدت عمل است و اگر مشارکت همه مردم بدنبالش دخالت و تشتت و تعدد مراکز تصمیم‌گیری را آورده باید گفت که این از مشکلات و معایب انقلاب ما است (خصوصاً در مرحله سازندگی) ولی در عین حال این از مزایا و سرمایه‌ها و خصوصیات عمده است که تابحال پیروزی ما در اثر وحدت و یکپارچگی بوده و بعدها نیز غیر از این نمیتواند باشد. اسلام شامل همه مسلمانان اعم از سنی و شیعه میشود و این انقلاب هم شامل عقیده و دین است و هم شامل ملت، و همه طبقات را در بر میگیرد بدون فرق گذاری بین کرد، فارس، ترک، سنی و شیعی، یزدی، عرب، مسلمان یا حتی زرتشتی مسیحی و کلیمی که صاحب کتاب هستند وحدت در مکتب رهبری است این رهبری بزرگ از نعمات الهی است و بعنوان خاتمه درخشان دوران مبارزات تقریباً هفتاد ساله ایران محسوب میشود. رهبری امام خمینی چیزی است که باید تا آخر محفوظ باشد و درحقیقت بعد از خدا چاره‌ای و پناهی و رهبری جز امام خمینی نداریم.

این حوادث میدان آزمایش و کسب افتخار و اثبات مردانگی و شهامت بود و افسران و درجه داران و سربازان و پاسداران با خونشان شجاعت و شهامتشان را به ثبوت رساندند و نشان دادند که پیوند بین ارتش و ملت و همچنین پاسداران گسستی است. از پدیده‌های دیگر دوران انقلاب ایجاد جهاد سازندگی و فعالیت همه قشرهای مملکت از هر شهر و بخشی در این جهاد بود و علیرغم سوءظن غلطی که وجود دارد همکاری بسیار صمیمانه‌ای بین دستگاههای دولتی و کارمندان دولت با جهاد سازندگی وجود دارد و در این رهگذر ارتش با همه وسائلی که در اختیار دارد همکاریهای پرتیمری بعمل آورده است.

قسمتی از سخنرانی

## در اجتماع کارکنان ذوب آهن

۵۸/۸/۳

ما نه تنها از این بابت که کارگر به لحاظ نقش بسیار بزرگی که در مبارزه با رژیم استبدادی و عاملان زور و ستمگری و استثمار داشته، بلکه به چشم اینکه بازو و دست و وجود آنها منشاء خیر و کار است برای او احترام و ارزش قائل هستیم، کارگران فقط در میدان مبارزه و عمل منفی اعتصاب شرکت ندارند بلکه عامل سازندگی هستند و با پرکاری خود بزرگترین خدمت را می‌توانند به مملکت و انقلاب و به جمهوری بکنند. علاوه بر اینکه به لحاظ نیروی انسانی شما خواهران و برادران ارزش دارید و داشتید و می‌توانید داشته باشید توجه ما یعنی وظیفه‌ای که دولت به عهده گرفته و به اینجا می‌آید بازدید این دستگاه‌های صنعتی است که بعد از نفت شاید بزرگترین دستگاه صنعتی مملکت باشد. برای ما یعنی دولت به نمایندگی از طرف ملت این دستگاه بسیار ارزنده است. نظام گذشته خیلی از سرمایه‌های مملکت را صرف ساخته‌ها و پرداخته‌ها کرد البته در کنار این ساخته‌ها و پرداخته‌ها پرکردن جیب و بردن و خوردن هم بود ولی بالاخره آثار ارزنده‌ای هم در مملکت بوجود آورد، برای اینکه مملکت را بچشم یک ده و به چشم یک ده شخصی نگاه میکرد.

امید مملکت به شما کارکنان و همکارانتان که در جاهای دیگر هستند می‌باشد بنابراین شما دوستان و برادران کارگر، هم نقش بزرگی در گذشته داشته‌اید و هم نقش و وظیفه و مسئولیت در آینده دارید تا این دستگاه را که جنبه‌های مختلف اداری و فنی و انضباطی دارد حفظ کنید و من به نمایندگی از طرف دولت از شما تشکر میکنم که تشکل و نظم و انضباط و اداره اینجا را حفظ کرده‌اید و بعد هم حفظ خواهید کرد.

نباید نگران بود و انشاءالله موفق خواهیم شد و همان دستگاهها و کارخانجات و



تاسیساتی که برای دولت اسلامی و ملی باقی گذاشته‌اند اداره خواهیم کرد. بشرط اینکه قدرش را بدانیم و همبستگی و یکپارچگی داشته باشیم، کم کاری نکنیم، تهمت نزنیم، اخلاص ایجاد نکنیم، نه بین خودمان و نه بین مراکز مختلف، نه در دستگاه مدیریت، علیرغم دشمنانمان، چه دشمنان اقلیت بسیار ضعیف ولی بسیار خبیث داخلی که همیشه راه دیگری می‌رفتند و دائما هم کارشکنی میکنند، علیرغم آنها و علیرغم دشمنان خارجی موفق و پیروز خواهیم شد و بهره‌مند از زحمات خودمان بر رفاہ و نعمت و رحمت خدایی خواهیم بود.

مهندس مهدی بازرگان نخست‌وزیر در یک گفتگوی مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی سفر خود را با استان اصفهان ثمربخش خواند و در پی آن افزود این اجتماع نشان‌دهنده وحدتی است که بین قشرهای ملت و مناطق مختلف با دولت دیده شده و واقعیت و حقیقتی است که عمق و محتوا دارد و ساختگی و ظاهری نیست. همچنین رفتن به کارخانه ذوب آهن که شاید بیشتر از خود شهر برای ما غیرمتربقه و جالب بود، چون همیشه ما را ترسانده بودند که کارگرها توقعات بیشتری دارند و یا تحریکات در میان آنها بیشتر است. ولی اینجا دیدیم که اینها هم برادرانی هستند با همان صفا و صمیمیتی که برادران شهری داشتند و این روح برادری و یگانگی را در کلیه برادران شهری نیز دیدیم که این ضامن پیشرفت و پیروزی مملکت ما خواهد بود.

نظر این است که کشاورزی احیاء بشود و بحمدالله تولید امسال از جهات عدیده‌ای خیلی بیشتر از سال پیش بوده، اما متأسفانه تحریکاتی که میشود مانع از زراعت و منخل امنیت میشود. هر مملکتی باین امنیت احتیاج دارد از آفات بزرگی که امروز وجود دارد این عدم نظم و امنیت است که باعث دلسردی و خودداری مردم از فعالیت‌های اقتصادی فرهنگی و غیره میشود. باید جدا از آن خودداری و جلوگیری بعمل آید.

## عید دیدنی دولت و مردم در استادیوم صد هزار نفری

۵۸/۱/۶

بسم الله الرحمن الرحيم

يا مدبر اللیل والنهار يا مقلب القلوب والابصار يا محول الحول والاحوال حول حالنا الی احسن الحال .

ای کسیکه گردش و فرمان حرکت شب و روز در ید اختیار توست، ای کسیکه چشمها و دلها را آنطور که میخواهی برمیگردانی (از خوبی به بدی و یا از بدی به خوبی)، ای کسیکه کار و مشیت تو تغییر و تحوّل و حرکت و نوسازی است. از تو میخواهیم که حال و احوال ما و این دگرگونیهای دائمی ما را در جهت بهترین و خوبترین جریان بدهی!

این دعای تحویل سال را نمیدانم برای چندمین بار شنیده‌اید و اینکه دعا از کدام امام است و چه سند و اعتباری دارد، منم نمی دانم چه شخص باذوق و تشخیصی این دعا را مقدمه و سرفصل تحویل سال و این جشن ایرانی و نوروزی قرار داده است، اما مناسبترین، صحیحترین دعا و منطبق با همه احوال و دورانها، خصوصاً دوران انقلابی ما است.

از چند هفته قبل بسیار نگران بودم که در اثر تعصبات و یا تأثرات حوادثی پیش آید و امسال جشن عید نوروز نداشته باشیم، اول دفعه پرسش از ناحیه سفارتخانه‌های خارجی از وزارت امور خارجه بعمل آمد که امسال عید خواهید داشت و ما تبریک بفرستیم یا نه؟ طبیعی بود که جواب باید مثبت باشد ولی بلحاظ آن نگرانی‌ها احتیاط کردم در شورای انقلاب مطرح کردم، که انشاءالله مانع و اشکالی برای این جشن نیست، باتفاق گفتند اصلاً و ابداً، از ناحیه رهبر عالیقدر، امام خمینی هم استجازه و اطمینان حاصل شد. این بود که در صحبت تلویزیونی ماقبل اخیر دعوت و خواهش کردم که همه ملت ایران عید امسال را باشکوه هرچه تمامتر برگزار کنند، چرا که هم احتیاج به این تلقین و امید و نشاط و خوشحالی داشتیم و هم وظیفه داریم که در برابر خیر و نعمت و سعادت که خداوند نصیبمان کرده است شکرگزاری کنیم.

۲۵ سال بود که (من اسم تا دو سال قبل را میگذارم دوران اعتراض) عیدنوروز را معمولاً نمی گرفتیم، برای اینکه معترض بودیم. به کودتا و اختناق و شکنجه و زندان یا به سلب آزادیها و هزاران مصیبت دیگر. و اینست که خیلی از سالها تصمیم گرفته میشد، دستور داده میشد، اعلامیه صادر میشد که امسال جشن نداریم و نوروز ما پیروز نیست، نوروز نداریم. بطور استثناء بعضی از سالها که ممنوعیتی نبود و تبریک و تبادل کارت به عمل میامد، کارت های تبریک معمولاً دو مطلب داشت، البته با اشاره و استعاره، یکی خوشحالی از برطرف شدن سرما و سختی و یخبندان و آرزوی رفتن اهریمن های حاکم که نویسنده و خواننده و شنونده همه میدانستند مقصود چیست و کیست. و دیگر دلداری و امیدواری و مژده. برسبیل بهاران و دمیدن شکوفه ها. به اینکه دوران خفقان و اسارات و بیچارگی تبدیل به بهار شکوفا و شیرین و روشن و راحتی و برکت خواهد شد.

بحمدالله آن صبر و مقاومت و دعا های ملت به موفقیت و قبول خاتمه یافت. حالا چرا جشن نگیریم. جاء الحق و زهق الباطل. منظر دل نیست جای صحبت اغیار. دیو چو بیرون شود فرشته درآید. دیو بیرون رفت و فرشته آزادی و اسلام و سعادت و اتحاد و برادری که در چهره رهبر عالیقدر و رهبران دیگر منعکس بود براین سرزمین وارد شد و پرچمشان برقرار شد. وظیفه داریم خوشحال باشیم و شکرگذار.

شکر نعمت نعمت افزون کند. کفر نعمت از کفت بیرون کند.

باید شاکر و مطمئن باشیم که با این شکرگزارها و این جشنها نعمت بر ما افزونتر خواهد شد و آنچه بدست آورده ایم، با خون شهیدان، با محرومیتها و با گرفتاریها و اعتصابها و بازار بندیها، دیگر از دست ندهیم و دوباره آن کارها ضرورتی پیدا نکند.

البته من بقصد سخنرانی نیامده بودم و انتظار داشتم آیت الله طالقانی با سخنرانی خود سال نو را افتتاح کنند و همه برخوردار شویم. اما چون قرار شده است که بنماینده از طرف امام و به اتفاق روحانیون دیگر به کردستان بروند، احتمال دارد تشریف نیاورند. منظور بنده از این صحبت بیشتر همین تبریک و شادباش است و برگزاری و انعقاد این مجلس جشن. لباس عیدهم. پس از سالهای سال. به تن کرده ام و خودم را در برابر این ملت چون کودکی حس میکنم که باید لباس نوبه تن کنم و عیدی بگیرم. دولت و بنده (به افتخار نمایندگی دولت). دو عیدی بزرگ گرفتیم که شکر میکنم و بهمه میگویم. عیدی اول را ده روز یا یک هفته قبل در روزنامه ها خواندم، که کارگران جزیره خارک؛ بعد از پیام رادیوتلوویزیونی من و تمنای همکاری مخصوصاً از کارگران؛ اعلام کردند از دریافت عیدی خودداری میکنند. آن روز که این مطلب را خواندم گفتم یکاش تمام برادران از کارگر و کشاورز، پرمایه و کم مایه و تمام ملت به این برادران جزیره خارک تاسی. میکردند. شاید هم کرده باشند. اما اولین دسته ای

که حاضر شد هیئت دولت بود که در دوشب قبل تصمیم گرفت تا بکار افتادن چرخهای اقتصادی و روشن شدن اوضاع مالی دولت بحقوق بسیار محدودی درحد رفع نیاز اکتفا نمایند. اگرچه تاکنون حقوقی دریافت نکرده‌اند. انتظار داریم که همه حقوق بگیران بالا در دستگاہهای دولتی تاسی به کارگران جزیره خارک نمایند. همچنین صاحبان صنایع، مدیران اقتصادی و صاحبان سرمایه که درایران هستند یا از ایران رفته‌اند و یا احیاناً سرمایه باخود برده‌اند، آنها هم همین کار را بکنند و با طیب خاطر و برای اثبات ایرانی بودن، مسلمان بودن و برادری، داوطلبانه خودشان سرمایه‌های رفته را بکشور برگردانند و بگذارند بدست خودشان آنچه بدهکارند، به صندوق دولت برگردد.

سه روز قبل نامه‌ای به عنوان نخست‌وزیری آمده بود که در آن یکی از سرمایه‌داران نوشته بود حاضر است تمام اموال و سرمایه خود را در اختیار دولت بگذارد. بنابراین این امید و انتظار من چندان هم خام نباید باشد.

عیدی دوم که من گرفتم و شاید شما هم اطلاع داشته باشید، پاکسازی شهر بود که گویا در تمام شهرهای کشور صورت گرفته و من اسم آنرا انقلاب میگذارم. سابقاً معمول بود که خانواده‌ها خانه‌تکانی میکردند، این کار برای نظافت خوب بود اما جنبه فردی و خصوصی داشت، امسال در عوض شهرتکانی شد که نشانگر رشد و همبستگی ملت ماست، پیشرفت اجتماعی چنان شده که دست‌بدست هم شهر خود را باهم پاکیزه کردند. این همان مقلب القلوب والابصار است که دل‌ودیده آن آقای سرمایه‌دار را به مملکت برگرداند، خداوند دارای چنین قدرتی است و بشر هم دارای چنین ظرفیت و استعدادی هست. در شرکت نفت سخنرانی میکردم که بعد از من کارگری فی‌البداهه سخنرانی میکند و میگوید: دولت از ما هدیه پول خواسته است، پول چیست ما جانمان را به ایران هدیه میکنیم.

همانطور که مملکت تکانی کردیم ایکاش به استناد یا مقلب القلوب دست‌بدست هم دهیم و دلها و دیدها را از کینه‌ها و عداوتها پاک کنیم و همه بیکدیگر به چشم دوستی و محبت و گذشت نگاه کنیم. در این زمینه جرأت نمیکنم جلوتر بروم، العاقل یکفیه بالا شماره ۱۱ شاید هنوز آمادگی و ظرفیت نباشد و همانطور که در قرآن آمده:

ادفع بالتي هي احسن فاذا الذي بينك وبينه عداوة كانه ولي حميم وما يلقها الا الذين صبروا وما يلقها الا ذوق عظيم.

فقط ترجمه میکنم و بحث نمی‌کنم که ببینید خداوند هم پیش‌بینی آنرا کرده و فرموده همه دارای چنان قدرت و ظرفیت نیستند. میفرماید نیکی و بدی باهم مساوی نیستند، اما تو باید چه کنی؟ در برابر بدی خوبی! تا ببینی کسی که با تو دشمن بود دوست صمیمی و خدمتگزار تو خواهد شد، اما تلقی این مطلب و درک این عظمت و فایده را فقط کسانی که دارای صبر بمعنای قرآنی آن میباشند میکنند و آن مردان و زنانیکه حظ و بهره بزرگ از

انسانیت و بندگی خدا برده‌اند این را درک میکنند. با امید اینکه همه ملت ایران چنین باشند، دیگر از این جلوتر نمی‌روم.

اما راجع به سال آینده سه مطلب را عرض میکنم، یعنی پیمانی که میخواهیم با هم ببندیم. مطلب اول که باعث شد در پیام نوروزی عرض کنم پایان نسبتاً خوش سال گذشته بود حادثی که در کردستان رخ داده نمی‌خواهم راجع به آن گزارش بدهم، برای اینکه هیئت از طرف مرجع عالی‌قدر مأمور شده‌اند و انشاءالله به آنجا خواهند رفت. از طرف دولت هم عده‌ای خواهند رفت، از طرف خود اهالی و مردم کردستان مقیم تهران هم بنا بود بروند که امیدوارم بروند. آنها گزارش خواهند آورد و امیدوارم در روز اول سال عیدی بزرگی که ملت دریافت خواهند کرد، رفع آن سوءتفاهم و کدورت و اخلال گریه‌ای که دستجات (نمی‌گویم داخلی) بوجود آورده بودند و ارتش برادر و ضروری و مفید و عزیز ما را وادار کرده بودند به حیاتی‌ترین و اساسی‌ترین و مشروعترین حق دنیا - حق خدائی و سیاسی - یعنی حق مشروع دفاع، نه از خود بلکه از پادگان، پاسگاهها، یعنی دفاع از ایران، دفاع از اسلام و انقلاب، بپردازند.

مسئله دوم، مسئله رفراندوم است که انشاءالله در روز دهم فروردین انجام خواهد شد و همگی یکدل و یک جهت در آن شرکت میکنیم و به آنچه مورد علاقه و قبول مردم است رأی خواهیم داد. آزادی برای همه هست و انشاءالله افرادی که گفته‌اند شرکت نمی‌کنیم قهر نکنند و آنها هم رأی بدهند. از ابتدا غیر از این قراری نبود و آنچه در این دو سال گذشته مطرح بوده ابتدا سرنگونی رژیم و از میان بردن اسارتها و اختناق و کشتارها و فشارها و در جهت مثبت هم برقراری جمهوری اسلامی بود و این بیانی بود که مرجع عالی‌قدر بنمایند تلویزیون فرانسه در نجف گفتند و در روزنامه لوموند هم نوشته شد که وقتی از ایشان پرسید شما چه میخواهید؟ فرمودند حکومت اسلامی میخواهیم و همین بیان در سراسر مملکت ورد زبان بود. بحث هیچوقت نبود که انواع رژیمها و حکومتها و مکتبها و فلسفه‌ها مطرح شود. تمام راهپیمائیه‌ها و شعارها و تظاهرات هم چیز دیگری نبود. رفراندوم غیر از این نیست. بنابراین امیدواریم همه شرکت کنند و آنچه که دلشان میخواهد، مثبت یا منفی رأی دهند و همه هم خواهند دانست که آراء منفی منحصر به یک چیز نیست، آراء منفی تنها علاقه به رژیم شاهنشاهی نیست، تنها بمعنای علاقه به نظام مشروطیت سلطنتی نیست. تنها جمهوری خلق، تنها جمهوری دمکراتیک و غیره نیست، همه اینها میتواند باشد.

دیشب کتابی بدستم رسید از دونفر از خبرگزاران فرانسوی (یک خانم و یک آقا) که مدت پنج ماه در دوران شدت تظاهرات و کشتارها در تهران بودند. عنوان کتاب *La Revolution au nom de Dieu* انقلاب بنام خدا است و تازگی و عظمتی که از انقلاب ما آنها تأیید و تکریم کرده‌اند اینست که اولین انقلابیست که بنام خدا صورت گرفته.

بنابراین دولت موقت و شورای انقلاب و رهبر ما حق داشتند و حق دارند که این فرماندوم را صرفاً بنام جمهوری اسلامی عرضه کنند.

سوم مجلس مؤسسان است و قانون اساسی. و همانطور که میدانید طرح و پیشنهادی از خیلی وقت قبل چه در ایران و چه در پاریس و چه در نجف مطرح بوده و در شورای عالی طرحهای انقلاب زیر نظر وزیر مشاور تحت مطالعه است و آنچه میتوانم بگویم و امید بدهم این است که حقوق همه مردم ایران چه شیعه و چه برادران سنی و اقلیتهای دیگر، در این طرح پیشنهادی محفوظ و مسلم است و رعایت شده و انشاءالله فرصتی داده خواهد که همه فکر و نظر و پیشنهادشان را بدهند و چیز جامع الاطرافی درآید و بعد در انتخاباتی که خواهد شد آنچه که میخواهند بوسیله نمایندگانشان براساس حق و عدالت در مجلس مطرح شود ولی رأی حاکم آن باشد که اکثریت میخواهند.

خلاصه میکنم، سابقاً میگفتند صدسال به این سالها، یکی از دوستان جمله دیگری گفت که همان را خدمت شما عرض میکنم. به جبران ۲۵۰۰ سال اسارت و اختناق و سلب حیثیت و ۲۰۰ سال استیلای خارجی، آرزو میکنم ۲۵۰۰ سال به این سالها و سالهای بیشتر؛ تا قیام قیامت آزادی و استقلال، وقتی میگوئیم جمهوری اسلامی، شامل آزادی، استقلال، عدالت، اتحاد، آبادی، قدرت، برکت و شوکت و سعادت و رستگاری دنیا و آخرت است که برای حال و آیندگان آرزو میکنم.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

## فهرست اعلام وموضوعات

صفحه ۳۷۲	فهرست موضوعات
۳۷۷	فهرست اسامی اشخاص
۳۸۱	فهرست اسامی اماکن ومؤسسات
۳۸۸	فهرست اسامی احزاب، اقوام و گروهها
۳۹۰	فهرست اسامی کتب ونشریات ومقالات وروزنامهها





## فهرست موضوعات

آ:

۳۴۵ ، ۳۰۶ ، ۳۰۲ ، ۳۰۱ ، ۱۷۹ ، ۱۷۸ ، ۷۴ ، ۴۲ ، ۱۵	آزادی —
۴۷	انتخابات —
۳۰۶ ، ۲۲۲ ، ۷۴ ، ۳۲	بیان —
۲۲۲ ، ۳۲	قلم —

الف:

۱۲ ، ۸ — ۱۵ ، ۲۴ ، ۳۱ ، ۴۲ ، ۴۷ ، ۴۸ ، ۴۹ ، ۶۰ ، ۶۳ ، ۷۳ ، ۸۶ ، ۸۹ ، ۹۴ ، ۱۱۲ ، ۱۳۳ ، ۱۳۵ ، ۱۴۴ ، ۱۵۶ ، ۱۵۷ ، ۲۷۰ ، ۲۸۱ ، ۳۰۰ ، ۳۰۱ ، ۳۰۲ ، ۳۰۳ ، ۳۰۴ ، ۳۰۵ ، ۳۰۶ ، ۳۱۶ ، ۳۱۷ ، ۳۲۸ ، ۳۴۳	استبداد
۳ ، ۸ ، ۱۳ ، ۱۶ ، ۲۴ ، ۴۳ ، ۴۶ ، ۶۲ ، ۲۴۷ ، ۳۴۷	— نظام
۱۴۲ ، ۱۴۴ ، ۱۵۸	— دولت
۸ ، ۶۳ ، ۳۴۲	استیلا
۴۸ ، ۶۰ ، ۶۳ ، ۲۱۲ ، ۲۵۲ ، ۳۱۶ ، ۳۴۳	— خارجی
۶۳ ، ۱۷۸ ، ۳۱۴ ، ۳۱۶ ، ۳۴۲ ، ۳۴۴	استعمار
۳۴ ، ۳۹ ، ۴۰ ، ۴۸ ، ۱۷۸ ، ۳۰۴ ، ۳۰۷ ، ۳۴۱	استقلال
۳۱۱	— دانشگاهها
۳۱۷	— اقتصادی
۲۲ ، ۳۸ ، ۴۳ ، ۱۱۰ ، ۱۱۱ ، ۱۴۱ ، ۱۸۶ ، ۲۰۴ ، ۲۴۴ ، ۳۰۶ ، ۳۴۷	اقتصاد
۱ ، ۲۸۶	انتصاب دولت موقت
۳۲ ، ۳۴ ، ۴۶ ، ۷۳ ، ۹۲ ، ۹۳ ، ۹۴ ، ۱۰۳ ، ۱۰۹ ، ۱۱۷ ، ۱۳۰	انقلاب
۱۳۲ ، ۱۳۷ ، ۱۵۰ ، ۱۵۲ ، ۱۵۳ ، ۱۶۱ ، ۱۶۲ ، ۱۷۴ ، ۱۸۰	
۱۸۶ ، ۱۸۱ ، ۲۰۹ ، ۲۱۵ ، ۲۱۸ ، ۲۲۹ ، ۲۳۱ ، ۲۴۸ ، ۲۴۹	
۲۶۲ ، ۲۸۱ ، ۳۰۲ ، ۳۰۴ ، ۳۲۴ ، ۳۵۸ ، ۳۶۷	

## انقلاب

۶۵۱، ۶۳	— الجزایر
۶۴، ۶۳	— ایران و الجزایر
۳۱۹، ۳۱۸	— دوران سازندگی
۱۵۲، ۱۰۷	— مراحل
۱۳۶، ۱۳۳	انتقام
۲۵۳، ۲۵۲، ۲۲۹، ۱۳۶، ۱۰۷، ۸۹، ۵۳، ۱۷	تخریبی
۲۱۸، ۱۵۲، ۱۳۶، ۱۷	تعرضی
۳۲۲	سازندگی
۳۲۲، ۲۲۹، ۲۰۱، ۱۳۶، ۹۲، ۸۹، ۶۴	مثبت
۳۲۲، ۲۵۴، ۲۵۳، ۲۵۲، ۲۲۹، ۲۱۸، ۲۰۱، ۱۳۶، ۶۳، ۵۳، ۱۷	منفی
۳۶۸، ۳۲۲، ۲۱۸، ۱۷۹، ۴۵، ۴۰، ۳۰، ۱۶، ۱۵، ۱۳	انقلاب اسلامی ایران

## ت:

۳۰۵، ۱۷۳، ۱۵۳، ۸	تاریخ ایران
۴۱۵، ۱۷۷، ۱۵۲، ۴۹، ۴۸	— پانزده خرداد
۶۰	— دوازدهم بهمن ۵۷
۱۳۲	— دوهزارسال تاریخ
۴۹، ۴۸	— سی تیر
۲۱۴، ۴۹	— کودتای ۲۸ مرداد
۱۰۷	— مبارزات ۲۵ ساله ۱۰۷
۳۴۳، ۳۱۸، ۳۱۳، ۲۱۲، ۱۷۹، ۱۵۵، ۱۵۴، ۱۲۴، ۱۱۹، ۷۹، ۳۶، ۲	— مشروطیت
۲۱۲، ۱۷۹، ۶۳	— نهضت تنباکو
۴۸	— هفده شهریور (۵۷)

## ح، د:

۴۴، ۳۹، ۳۳، ۲۴، ۲	حکومت
۳۰۶، ۳۶	— پهلوی، سیاستها
۷۳	— جمهوری دمکراتیک
۹۰	— دموکراتیک اسلامی

- دستگاه‌های دولتی ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۶، ۱۸۹، ۲۴۵، ۲۵۵، ۳۲۹، ۳۶۲
- کارمندان ۱۵۳، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۸۹، ۱۹۴، ۳۲۹، ۳۶۲
- دولت موقت ۱، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۲۳، ۲۸، ۳۱، ۳۴، ۳۷، ۴۰، ۴۶، ۷۴، ۷۵، ۷۷، ۸۴، ۹۰
- اتهامات ۲۳۱، ۲۳۵
- عدم قاطعیت ۲۲۷، ۲۳۲، ۲۳۴، ۲۳۵
- عدم انقلابی بودن ۲۲۸، ۲۳۲، ۲۳۴، ۲۳۵
- استعفا ۲۷۷، ۲۷۸، ۲۷۹، ۲۸۹، ۲۹۱، ۲۹۲
- اشغال سفارت آمریکا ۲۷۷
- اقلیتهای مذهبی ۱۸
- امنیت کشور ۲۴۵، ۳۲۹
- انتخابات ۴۷، ۳۲۰
- انتظارات مردم ۵۷، ۲۸۶، ۲۸۷
- برنامه کلی ۷۷، ۱۰۳
- بودجه ۱۷، ۲۶، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۷۱، ۲۴۶
- بیکاری ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۳، ۲۰۴، ۲۴۴
- پاوه ۲۲۳، ۲۲۴
- تحصن ۳۰، ۳۲، ۱۵۸، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۸۲، ۳۲۸
- تعدد مراکز تصمیم ۱۶۶، ۲۵۰، ۲۸۸، ۳۶۲
- تفکیک برنامه‌ها ۲۵
- تقسیم وظایف ۲۲۹، ۲۳۰
- توطئه‌ها و تحریکات ۱۴، ۴۶، ۱۱۰، ۲۰۹
- تهاجم به ادارات ۳۰
- جمهوری اسلامی ۱، ۲۴، ۱۳۷
- جهاد سازندگی ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۲۵۶، ۵۲۹، ۳۲۹، ۳۶۲
- خودمختاری ۲۰
- رفراندوم (تغییر نظام) ۱۲، ۱۵، ۱۸، ۲۹، ۴۲، ۹۰، ۹۰، ۱۰۴، ۱۰۶، ۱۱۰، ۱۳۸، ۳۲۰، ۳۶۸
- سیاستهای خارجی ۸، ۱۹
- سیاست گام به گام ۲۸۲، ۲۸۷

۳۰	— شایعات
۲۵، ۲۷۵، ۲۷۰، ۲۶۹، ۲۶۸	— شوراها (تشکیل)
۳۰، ۳۲، ۳۴، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۵۰، ۱۰۸، ۱۲۴، ۱۳۴، ۱۸۲	— ضدانقلاب
۱۸۶، ۱۸۷، ۲۲۵، ۲۲۶	
۳۰	— ضد دولت
۱۶۵، ۱۶۱، ۱۸، ۲۹، ۳۹، ۴۷، ۷۹، ۶۸، ۹۰، ۱۰۱، ۱۶۵	— قانون اساسی
۲۲۸، ۳۲۰، ۳۳۲	
۱۰۱	— کارگران
۱۱۰	— کردستان
۲۴۴	— کشاورزی
۱۷، ۲۶، ۳۴، ۴۴، ۷۸، ۹۰، ۹۲، ۹۳، ۹۴، ۱۰۹، ۱۱۸، ۱۳۱	— کمیته (های امام)
۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۸، ۱۴۷، ۱۶۶، ۲۴۱، ۳۰۲، ۳۲۴	
۱۳، ۱۸	— گنبد کاوس
۱، ۱۷، ۲۰، ۲۹	— مجلس خبرگان
۱	— مجلس شورا
۷۹	— مزاحمت عوامل داخلی
۲۹۰، ۶۵	— ملاقات با برژینسکی
۲۰۳، ۴۱	— ملی شدن بانکها
۲۴، ۲۵، ۳۰۶	— وظایف
<hr/> <b>ر، س، ش:</b> <hr/>	
۱۴، ۳۶، ۱۷۹، ۲۱۲، ۲۱۴، ۳۰۴	روحانیت
۶۹	— تهران
۴۰	— سنتی
۱۵۵، ۳۰۶، ۳۱۳	سلسله پهلوی
۶۰، ۷۱، ۱۳۲	— پنجاه سال سلطنت
۲۲، ۱۰۲	— خاندان سلطنتی
۲۴، ۳۰، ۴۸، ۴۹، ۵۹، ۷۳، ۷۹، ۸۱، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۳۳	— شاه
۱۵۵، ۱۶۱، ۱۹۷، ۲۱۱، ۳۰۳، ۳۲۶	
۳۵۱	سیاست دولت جمهوری

سیستم بوروکراسی ۱۵۷  
 شورای انقلاب ۱۶، ۱۷، ۲۸، ۲۹، ۳۳-۳۶، ۳۹، ۴۰، ۴۱، ۴۷، ۲۸۸، ۲۸۹  
 ۲۵۱، ۲۷۴، ۲۷۵، ۲۷۹، ۲۸۶، ۲۸۹، ۳۶۵

### ص، ق، ک:

صنایع ۲۰۴  
 صهیونیسم ۲۲۶، ۲۰۸، ۳۰  
 قراردادهای گذشته ۲۰۹، ۲۰۸، ۱۹۶، ۱۹۷  
 — برای امور عمرانی ۱۷۲، ۱۷۱  
 کابینه (هیئت دولت) ۳۶۷، ۳۰۰، ۲۷۵، ۲۶۱، ۲۳۰، ۲۲۱، ۱۲۶، ۱۲۵، ۱۲۴، ۷۷، ۷۶، ۴  
 کودتای نظامی ۱۳۲

### م:

مدیریت ۱۳۴، ۱۲۱، ۱۰۲، ۹۹، ۹۲، ۸۷، ۴۱، ۳۴، ۳۳، ۳۱، ۳۰، ۲۵، ۲۰  
 ۳۲۲، ۳۱۱، ۲۹۲، ۲۸۱، ۲۷۴، ۲۷۳، ۲۵۴، ۱۴۸، ۱۴۴  
 — ادارات ۹۲، ۸۷، ۱۸  
 — کارخانجات ۲۰۲، ۱۲۲، ۱۲۱، ۹۲  
 معاونت نخست وزیری ۲۴

### ن، و:

نفت ۲۲، ۴۲، ۷۸، ۸۶، ۱۰۲، ۱۱۱، ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۷۹، ۲۱۳  
 ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۳۰، ۲۴۸، ۲۶۲  
 — اعتصاب شرکت ۷  
 — اوپک ۲۲، ۲۱  
 — پتروشیمی ۸۹، ۲۱  
 — خلع ید ۳۲۲، ۳۱۴، ۲۵۸، ۲۵۰، ۲۴۹، ۲۴۰، ۲۱۳، ۱۱۷، ۴۸، ۴۳، ۴۲  
 — کنسرسیوم ۱۰۸  
 نظام اسلامی و دموکراسی ۱۳۵  
 وام شرافتی ۲۰۲، ۱۶۱، ۱۴۵، ۱۲۶، ۱۲۵

## فہرست اسامی اشخاص

		آ :	
بازرگان، مہدی (مهندس)	۱۰، ۷، ۵، ۳، ۱	۱۷۳	آغاسی، حاج میرزا
	۱۸، ۱۹، ۲۳، ۳۵	۱۵۸	آموزگار، جمشید
	۳۹، ۴۸، ۶۲		
	۶۶، ۶۷، ۸۲		
	۳۲۰، ۳۲۱، ۳۶۴		
<hr/>		<hr/>	
	۱۴، ۷۹، ۸۰، ۸۱	۸۸	ابوہریرہ
بختیار، شاہپور	۸۳، ۱۵۸، ۲۲۸	۱۷۷، ۳۳۲	ابراہیم (پیغمبر)
	۸	۱۷۳	ابن زیاد
برزنف، لٹونید	۶۵، ۲۹۰	۱۳۸	ابن ملجم
برژینسکی	۶۶	۳۳۳	ابوبکر (خلیفہ اول)
بنی اسدی، حسین (مهندس)	۱۳۶، ۲۶۲	۱۳۷	ابوسفیان
بہشتی، آیت اللہ		۱۰۹، ۱۲۴	احمدشاہ
سید محمد حسین (دکتر)	۲۹۲	۱۵۵، ۲۲۷	
<hr/>		<hr/>	
پ ، ت :		۲۷۱	ارسطو
	۲۴۷	۲۶۲	اسپہدی، علی
پوشہ (دکتر)	۳۱۳	۳۴۴	اسدآبادی، سید جمال الدین
تقی زادہ	۲۲۷	۸۸	اسلامی، دکتر
تنکابنی، میرزا طاہر	۱۲۶	۲۷۱	افلاطون
توکلی (سرہنگ)	۱۳۲	۱۵۳، ۲۵۸	اقبال
تیمور	۲۲۷	۳۴۴، ۳۵۶	اقبال لاہوری
تیمورتاش		۳۴۳	امان اللہ خان
<hr/>		<hr/>	
ج ، چ :		۱۰، ۱۲۶	امیر انتظام، عباس
جعفر صادق (ع)، امام	۹۷، ۳۳۱	۳۶۰	امیر کبیر، میرزا تقی
چرچیل، وینستون	۱۸۴	۳۲۵	انگجی
چمران، مصطفی (دکتر)	۵۰، ۲۲۴، ۲۲۵	۲۷۲	انوشیروان
	۲۲۶، ۲۶۱	۲۸۲	ایرج میرزا
چنگیز	۷۸، ۱۳۲، ۳۴۱		
<hr/>		<hr/>	
		۲۷۲	بابکان اردشیر

۱۳۷	دوگل، مارشال (ژنرال)
۲۶۲	رجائی، محمد علی
۱۹۰، ۱۴۴	رضاشاہ
۳۰۶، ۲۲۷	
۳۳۹، ۳۲۸	
۳۶۰، ۳۴۳	
۳۱۶، ۲۹۳	ریاحی (تیمسار)
۳۲۶	
۲۵۷	زاهدی، اردشیر
۳۴۵	زاهدی، فضل الہ
۲۲۴، ۵۰	زمانی، عباس (ابوشریف)
۳۴۵	زنجانئی، سید ابوالفضل
۳۴۵	زنجانئی، سید رضا

## س :

۲۸۰	سامی، کاظم (دکتر)
۲۷۲	سیا، ملکہ
۳۴۵	سجاد (ع)، امام
۲۶۱	سحابی، عزت الہ
۳۳۹، ۲۶۲	سحابی، یدالہ
۲۵۲، ۲۴۶	سعدی
۲۷۱	سقراط
۳۴۲، ۱۷۸	سلطان حسین (شاہ)
۲۷۲	سلیمان
۱۹	سنجابی، کریم (دکتر)
۲۴۶	سیاسی (دکتر)
۱۵۴	سیف الدولہ

## ح :

۱۵۶	حاجب الدولہ
۴	حاج سید جوادی، علی اصغر
۲۹۲، ۲۵۲، ۲۴۶	حافظ
۶۵	حافظ اسد
۲۶۱	حبیبی، حسن (دکتر)
۱۵۴	حسام السلطان
۱۳۸	حسن (ع)، امام
۸۳، ۴۴	حسین (ع)، امام
۱۳۷	حمزہ

## خ :

۱۰	خاقانی، آل شبیر (آیت اللہ)
۲۹۰	خمینی، احمد
۱۴، ۱۰، ۵، ۳، ۱	تخمینی روح اللہ (آیت اللہ)
۲۸، ۲۱، ۲۰، ۱۸	
۴۵، ۴۲، ۳۶	
۵۹، ۵۳، ۵۲، ۴۹	
۷۲، ۶۹، ۶۷، ۶۶	
۸۴، ۸۱، ۷۸، ۷۵	
۱۰۰، ۸۶، ۸۵	
۱۱۸، ۱۰۹، ۱۰۶	
۲۱۴، ۲۰۱، ۱۳۵	
۲۸۶، ۲۸۲، ۲۷۸	
۲۹۵، ۲۹۲، ۲۹۰	
۳۲۰، ۳۱۷، ۳۰۵	
۳۴۰، ۳۲۴، ۳۲۳	
۳۶۵، ۳۶۲، ۳۴۷	

## د، ر، ز :

۳۰۶، ۱۴۴	داور (وزیر دارائی)
۳۱۷، ۷۲	دریک (مستر)

ش :

۲۳۲	شا کر (تیمسان)
۴۹، ۴۸، ۳۰، ۲۴	شاه
۲۱۴، ۱۴۴، ۵۹	
۲۴۸، ۲۳۸، ۲۲۶	
۲۵۲، ۳۴۷، ۳۴۵	
۳۰۵، ۲۸۱، ۲۶۲	
۳۲۳	
۱۵۸	شریف امامی، جعفر (مهندس)
۸۸	شریعتمداری، حسن (دکتر)
۳۰۵، ۸۱	شریعتمداری، سید کاظم
	(آیت الله)

۳۵۶، ۳۱۲، ۱۳۷	شریعتی، علی (دکتر)
۳۶	شریعتی، محمد تقی (استاد)
۸۸	شکوهی، غلامحسین
۸۳	شمر

ص ، ط ، ظ :

۱۲۶	صباغیان، هاشم (مهندس)
۱۴۱، ۱۰۶	صدر (وزیر کشور)
۲۲۶، ۲۱۷	صدر، موسی (امام)
۳۳۹	طالقانی، سید ابوالحسن
۲۵۶، ۱۳۱، ۳۶	طالقانی، سید محمود
۳۳۴، ۳۳۲، ۲۶۵	
۳۳۹، ۳۳۸، ۳۳۷	
۳۴۳، ۳۴۲، ۳۴۰	
۳۴۶، ۳۴۵، ۳۴۴	
۳۶۶، ۳۵۹، ۳۵۲	
۲۹۰	طباطبائی، صادق (دکتر)
۲۲۶، ۲۲۴	ظهير نژاد (سرهنک)

ع :

۶۵	عبد الغنی، محمد بن احمد
۱۳۲	عبد الناصر، جمال
۳۴۴	عبده، شیخ محمد
۱۵۴	عضد الدوله
۱۳۰، ۵۱، ۴۰، ۴	علی (ع)، امام
۱۷۳، ۱۷۰، ۱۳۸	
۲۵۷، ۲۵۶، ۱۹۳	
۳۵۴، ۳۳۳، ۳۲۷	
۳۳۲، ۱۷۷	عیسی (ع)، حضرت
۲۱۳	عین الدوله

ف ، ق :

۳۴۴، ۱۷۳	فارسی، سلمان
۳۴۲	فتحعلی شاه
۲۶۳، ۲۶۲	فروهر، داریوش
۲۲۵، ۲۲۴، ۵۰	فلاحی، ولی
۲۲۶	
۲۷۲	قباد
۲۵۱	قدوسی، علی
۲۷۲	قصی بن کلاب
۸۴	قره باغی
۲۳۲، ۱۲۹، ۱۲۶	قره نی، محمد ولی (تیمسان)
۲۳۸، ۲۳۷	قریب، محمد (دکتر)
۴۸	قوام السلطنه

گ ، ک :

۱۸۴، ۱۸۳	کریستف کلمب
۳۰۳	کریم شیره ای
۱۷۲	کمیل بن زیاد
۲۷۲	گوروش (هخامنشی)



۳۰۹	معین آذر (استاد)	۲۶۶	لقمان حکیم
۲۶۱، ۱۴۲	معین فر، علی اکبر (مهندس)	۱۳۲	لنین
۳۰۲	مقدم مراغه ای (مهندس)		
۱۵۳، ۱۳۲	مقدونی، اسکندر		
۱۹۰، ۱۱۵	ملانصرالدین	۳۳۱	ماکیا اول
۲۶۸، ۲۶۶		۱۷۲، ۱۷۰، ۸۹	مالک اشتر
۳۳۹	ممتاز الممالک	۲۵۷، ۲۵۶، ۱۷۳	
۲۱۸، ۱۷۷	موسی (ع)، حضرت	۳۲۷	
۳۳۲، ۲۱۹			مجتهد شبستری، محمد ۶۶
۲۱۲	میرزای شیرازی	۳۳۹	محتشم السلطنه
۱۵۶، ۱۵۵	میلیسپو (دکتر)	۱۳۷، ۸۸	محمد (ص)
۸۸	میناچی، ناصر	۱۹۰، ۱۳۳، ۸۱	محمد رضا شاه
		۲۹۰، ۲۱۸	
		۳۶۰، ۳۲۸	
	<b>ن، و:</b>		
۱۷۳، ۱۵۴، ۶۳	ناصرالدین شاه	۳۳۹	مدرس، سید حسن
۳۴۲، ۲۱۲		۳۳۹	مدرس، آشیخ علی
۱۷۷	نوح (ع)، حضرت	۸۸، ۱۶، ۱۰	مدنی سید احمد (تیمسار)
۱۲۲	وزیر بازرگانی	۳۰۳، ۱۷۳، ۹۷	
۹۱	— بهداری	۱۵۴	مشیر الملک
۲۲۸	— دادا گستری	۴۸، ۴۲، ۱۴، ۱۲	مصدق، محمد (دکتر)
۱۰۳	— دفاع	۸۰، ۷۹، ۶۳	
۲۲	— راه	۱۷۱، ۱۱۷، ۱۱۱	
۱۲۲	— صنایع و معادن	۲۱۳، ۲۱۱، ۱۹۲	
	— فرهنگ و آموزش عالی ۳۱۱	۲۴۸، ۲۲۹، ۲۱۴	
۱۰۶، ۹۲، ۴۷	— کشور	۲۶۲، ۲۵۲، ۲۴۹	
۲۲	— مسکن	۳۱۶، ۳۱۴، ۲۹۳	
۹۹، ۹۰	— مشاور	۳۴۵، ۳۲۸، ۳۲۲	
		۲۲۹، ۴۰، ۳۶	مطهری، مرتضی
		۱۱۵، ۱۰۹	مظفرالدین شاه
		۳۰۵، ۱۷۳	معاویه
		۳۰۹	معظمی، عبدالله (دکتر)

		هـ، ی:	
۱۰۲	هژبر یزدانی	۲۱۹	هارون
۲۲۶، ۱۲۶	یزدی، ابراهیم (دکتر)	۲۳۴	هانپال
۳۵۷، ۲۹۰		۱۳۷	هند (جگرخوار)
۳۰۵، ۸۳	یزید	۲۹۰	هویدا، امیرعباس
۱۵۴	یمین الممالک		

### فهرست اسامی اماکن و مؤسسات

		آ:	
۳۱۶، ۳۰۲، ۳۰۰، ۲۴۵، ۱۱۶، ۸۲، ۹	آبادان		
۳۰۹، ۲۹۹، ۱۴۴، ۱۰۹، ۲۰، ۱۰	آذربایجان		
۲۴۱، ۱۰	آغاچاری		
۲۳۴، ۷۳	آفریقا		
۱۹۵	— جنوبی		
۳۱۴، ۱۸۴	آلمان		
۳۵۷، ۳۴۲، ۳۲۳، ۳۱۷، ۳۱۴، ۲۹۰، ۲۳۴، ۲۱۸، ۷۳	آمریکا		
۱۸	— رادیو		
۲۸۹، ۲۷۷	— سفارت		

		الف:	
۲۳۰، ۲۰۲، ۱۲۱، ۲۵، ۲۲	اتاقهای بازرگانی		
۷۸	اراک		
۷۳	اروپا		
۲۴۳، ۱۸۳	اسپانیا		
۲۰	استادیوم ورزشی (تهران)		
۲۸۰، ۲۳۴، ۲۲۰، ۲۱۹، ۲۱۸، ۲۱۷، ۲۱۱، ۱۹۵، ۱۸۰، ۱۱۲، ۴۹	اسرائیل		
۳۶۴، ۳۶۲، ۳۰۰، ۱۷۸، ۵۷، ۴۸، ۱۱، ۱۰	اصفهان		
۲۵	اصناف		

۲۴۳	افغانستان
۳۶۰	اقیانوس هند
۳۴۲، ۳۱۶، ۲۹۰، ۶۳، ۶۲	الجزایر
۴۰	انتشار، شرکت
۳۴۲	اندونزی
۲۵	انجمن آثار ملی
۳۴۱، ۳۱۵، ۲۶۲، ۲۵۰، ۲۴۹، ۲۴۰، ۲۳۴، ۲۳۰، ۲۲۹، ۲۱۳، ۱۸۴	انگلستان
۳۴۲	
۲۲، ۲۱	اوپک
۶۶	اورازی (هتل)
۲۴۵، ۴۸	اهواز
۱۲۱، ۱۰۲	— نورد
۱۹۷، ۱۴۲	— نیشکر
۲۲۶	— انتلیجنت سرویس
۱۷۷، ۱۷۳، ۱۴۴، ۱۳۱، ۱۳۰، ۶۳، ۶۰، ۴۹، ۴۷، ۲۵، ۲۱، ۱	ایران
۲۹۹، ۲۷۲، ۲۵۴، ۲۵۱، ۲۵۰، ۲۴۸، ۲۰۸، ۲۰۱، ۱۷۹، ۱۷۸	
۳۶۲، ۳۴۴، ۳۴۳، ۳۴۲، ۳۴۲، ۳۴۱، ۳۲۰، ۳۱۷، ۳۱۰، ۳۰۵، ۳۰۳	
۳۰۳، ۳۰۲، ۲۸۰، ۲۸۷، ۲۷۸، ۲۷۳، ۲۵۱، ۲۲۷، ۸۹، ۳۳، ۶	— رادیوتلو بیرون
۱۲۱، ۱۰۲، ۳۱۱، ۳۰۹	
۱۲۱، ۱۰۲	— ناسیونال

## ب :

۴۱	بانک
۲۰۳، ۱۷۱، ۱۲۰، ۹۷، ۲۲	— مرکزی
۳۳۸	برازجان
۱۲۲، ۱۸، ۱۷	برنامه و بودجه (سازمان)
۲۵۰	بصره
۳۳۱	بغداد
۱۵۴	بلژیک
۳۵۱، ۳۲۹، ۳۲۴، ۲۲۴، ۲۱۰، ۱۴۴، ۱۰۱، ۵۷، ۱۶	بلوچستان
۱۹۵، ۱۰۲، ۸۹	بنیاد پهلوی

بوئین زهرا ۱۴۵  
بیت المقدس ۲۱۷

### پ ، ت :

پاریس ۱۹۵ ، ۷۳ ، ۱۳۷ ، ۲۲۹ ، ۲۷۱ ، ۲۹۳ ، ۳۶۹  
پاوه ۵۰ ، ۵۷ ، ۲۲۳ ، ۲۲۴ ، ۲۳۲  
پتروشیمی ، شرکت ملی ۲۱ ، ۱۹۳ ، ۱۹۵ ، ۱۹۷  
— مجتمع ۱۴۲  
پرتقال ۱۸۳ ، ۳۴۱  
پیشاهنگی ۲۵  
تبریز ۱۰ ، ۴۸ ، ۱۰۹ ، ۱۲۲ ، ۱۳۵  
استادیوم ۱۴۳ ، ۲۹۹ ، ۳۰۹ ، ۳۱۰  
— دانشگاه ۳۰۹  
تربیت بدنی ، سازمان ملی ۲۵ ، ۱۴۳  
ترکیه ۶۰ ، ۲۲۶ ، ۳۱۴  
تهران ۲۰ ، ۶۰ ، ۹۲ ، ۱۴۴ ، ۱۴۵ ، ۱۶۰ ، ۱۶۲ ، ۱۶۷ ، ۱۷۷ ، ۲۱۰ ،  
۲۲۹ ، ۲۳۴ ، ۲۴۰ ، ۲۴۱ ، ۲۴۲ ، ۲۴۵ ، ۲۸۰ ، ۲۹۹ ،  
۳۰۰ ، ۳۰۵ ، ۳۰۷ ، ۳۱۰ ، ۳۳۸ ، ۳۶۸  
— دانشگاه ۲۴۶ ، ۳۰۵ ، ۳۰۹  
— فرودگاه ۹۱

### ج ، چ ، ح ، خ :

جزیره خارک ۱۱۰ ، ۲۶۶ ، ۳۶۷  
چاه بهار ۲۳۱  
حمایت حیوانات ، سازمان ۲۵  
خراسان ۲۲۷ ، ۳۱۱ ، ۳۶۲  
خرمشهر ۱۰ ، ۱۱۶ ، ۳۰۰ ، ۳۰۲  
خلق چین ، جمهوری ۱۳۰  
خلیج فارس ۳۶۰  
خوزستان ۹ ، ۱۰ ، ۱۱ ، ۴۲ ، ۴۳ ، ۴۳ ، ۴۳ ، ۵۲ ، ۵۲ ، ۸۲ ، ۱۱۰ ، ۲۲۶ ، ۲۳۹ ،  
۲۴۵ ، ۲۵۶ ، ۲۶۴ ، ۲۹۹ ، ۳۲۴ ، ۳۶۲

## د، ذ:

۲۰، ۳۱، ۳۳، ۳۴، ۹۰، ۱۶۶، ۱۷۳، ۲۵۱، ۲۸۱، ۲۹۱	داد گاههای انقلاب
۲۲۸، ۲۲۶	— دادستان تهران
۱۰۲	دخانیات، شرکت
۴، ۱۲۰، ۲۴۸	دربار
۱۹۶	دز
۱۴۲، ۱۹۳، ۱۹۵، ۱۹۷، ۲۵۸، ۳۶۲	ذوب آهن

## ر، ز، ژ:

۲۲۶، ۲۲۴	رضائیه (ارومیه)
۲۰۱	رفاه، دبیرستان
۹	رکس، سینما
۲۲۴	روانسر
۲۳۴	روم
۲۶، ۴۱، ۱۲۶، ۲۴۰	زنجان
۳۳۸	زندان قصر
۲۱	ژنو

## س:

۲۶، ۹۰، ۱۰۹، ۱۶۶	سپاه پاسداران انقلاب
۲۲۵	سعدآباد، کاخ
۵۷	سمنان
۷۸، ۱۴۶، ۲۲۵، ۲۶۳، ۳۶۵	سنندج
۱۵۴	سوئد
۲۲۶	سیا، سازمان
۵۷، ۲۱۰، ۲۲۴، ۳۲۹، ۳۵۱	سیستان

## ش:

۳۳۳	شبه جزیره عرب، نان
۸۳	شط العرب
۱۸، ۲۵، ۲۹، ۳۹، ۹۰، ۹۹، ۱۴۵، ۱۷۴، ۲۲۹، ۲۷۴، ۳۶۹	شورای طرحهای انقلاب

۳۲۳ ، ۳۱۴ ، ۲۷۰	شوری
۸	— رادیوتلو یزیون
۲۴۰	شیراز
۱۴۵ ، ۱۴۳	شیر و خورشید

### ص ، ط ، ع ، ف ، ق :

۲۵	صنایع
۲۶ ، ۲۴	صندوقهای قرض الحسنه
۲۶	— وام بیکاران
۱۴۵	طیس
۱۵۶	عدلیه
۶۰ ، ۵۹	عراق
۲۴۷	فرانسه
۳۳۸ ، ۲۲۰ ، ۲۱۸ ، ۲۱۷	فلسطین
۱۷۹	فیلیپین
۱۴۱ ، ۲۶	قزوین
۲۷۲	قریش
۳۶۲ ، ۳۳۹ ، ۳۰۶ ، ۳۰۵ ، ۳۰۰ ، ۲۹۹ ، ۲۵۴ ، ۲۲۵ ، ۱۱۵	قم
۳۱۱	قورخانه ، مدرسه

### ک ، گ :

۱۴۳	کاشان
۳۳۹ ، ۲۱۰ ، ۱۹۱ ، ۱۴۴ ، ۱۱۵ ، ۱۱۰ ، ۱۰۱ ، ۵۷ ، ۵۰ ، ۳۰ ، ۲۰	کردستان
۳۶۸ ، ۳۶۶ ، ۳۶۲ ، ۳۶۱ ، ۳۵۱ ، ۳۲۴ ، ۲۸۰ ، ۲۴۰	
۳۰۵	کربلا
۵۷	کرمان
۲۲۵ ، ۲۲۴ ، ۴۸	کرمانشاه
۲۷۲	کعبه (خانه)
۶۲ ، ۱۹	کوبا
۹۵	کویت
۷۸	گرگان